مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، سال سیزدهم، شمارهٔ ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹٤، شمارهٔ پیاپی ۲۵

تحلیل تأثیر متغیرهای فردی بر ادراک از زیست‌پذیری در روستاهای پیرامون شهر (مطالعهٔ موردی: شهرستان ورامین)

محمدامین خراسانی (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، نویسندهٔ مسؤول)
khorasani_ma@ut.ac.ir
محمدرضا رضوانی(استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)
rrezvani@ut.ac.ir
محمد مولایی قلیچی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران)
molaei1@ut.ac.ir

صص ۱۸۱-۱۵۹

چکیده

اهداف: سکونت‌گاه زیست‌پذیر را به طور خلاصه مکان مناسب برای کار و زندگی تعریف کرده‌اند. هدف از این تحقیق، بررسی وضعیّت زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری در شهرستان ورامین و عوامل فردی مؤثر بر ادراک از آن است.

روش: روش این تحقیق، میدانی بوده و ابزار مورد استفاده پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخته بوده است. منطقهٔ مورد مطالعه در این تحقیق، روستاهای پیرامون شهری در سطح شهرستان ورامین و در مجاورت چهار نقطهٔ شهری واقع در آن است.

یافته‌ها/ نتایج: نتایج تحقیق نشان می‌دهد بین متغیر جنس با تفریح‌ها و اوقات فراغت، بین شغل افراد پاسخ‌گو با شاخص‌های حمل‌ونقل عمومی و فضاهای سبز و باز، رابطهٔ معنادار آماری وجود دارد و بین متغیر سن و سطح تحصیلات با هیچ‌کدام از شاخص‌های زیست‌پذیری رابطهٔ معنادار آماری مشاهده نشده است. در نهایت بین مدّت زمان سکونت در روستا با شاخص‌های اشتغال و درآمد، پیوستگی و تعلّق مکانی و چشم‌انداز، رابطهٔ معنادار وجود دارد.

نتیجه‌گیری: عدم ارتباط بین سن و میزان تحصیلات با زیست‌پذیری در روستاهای مورد مطالعه نشان‌دهندهٔ این موضوع است که افراد از سنین مختلف و با سطوح مختلف تحصیلات، دارای نگرش‌های یکسان نسبت به برطرف‌شدن نیازهای زیستی هستند و این موضوع می‌تواند دارای جنبه‌های مثبتی باشد؛ زیرا نشان می‌دهد که اختلاف نگرش بین افراد دارای سنین مختلف در این روستاها کم است و همچنین افراد کم‌سواد و بی‌سواد نیز به حقوق شهروندی خود آگاه هستند.

کلیدواژه‌ها: متغیرهای فردی، زیست‌پذیری، روستاهای پیرامون شهری، شهرستان ورامین.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲٤ تاریخ تصویب:۱۳۹٤/۹/۲۹

۱. مقدمه

زیست‌پذیری یک مفهوم کلّی است که با تعدادی از مفاهیم و اصطلاحات دیگر مانند پایداری، کیفیت زندگی و کیفیت مکان و اجتماعات سالم در ارتباط است (نوریس و بلاسینگیم[1]، ۱۹۹۸ و پیتمن[2]، ۲۰۰۰). اگرچه تعریف زیست‌پذیری از یک اجتماع به اجتماعی دیگر متفاوت است، می‌توان از اهداف برنامه‌ریزی اجتماعی برای ایجاد معیارهای بومی زیست بهره گرفت. زیست‌پذیری غالبا برای تعریف ابعاد مختلف اجتماع و تجربه های مشترکی که آن را شکل می‌دهند به کار گرفته می‌شود. بر روی تجربهٔ انسان از مکان تمرکز کرده و این تجارب را در ظرف زمانی و مکانی مشخّص در نظر می‌گیرد.(کمسیس[3]، ۲۰۱۲).

زیست‌پذیری به‌عنوان یک مفهوم می‌تواند با توجّه به بستر و زمینه‌ای که در آن تعریف می‌شود، بسیار گسترده و یا محدود باشد. با این وجود، کیفیت زندگی در هر مکان در مرکز توجّه این مفهوم قرار داشته و شامل نماگرهای قابل اندازه‌گیری بسیار متنوّعی است که معمولا تراکم، حمل‌ونقل، امنیّت و پایداری، اجزای ثابت آن را تشکیل می‌دهند (پروگاردومادرید[4]، ۲۰۰۷، ص. ۴۰). زیست‌پذیری، مفهومی است که از درهم‌تنیدگی تعدادی از مفاهیم اقتصادی، اجتماعی و محیطی تشکیل می‌شود و همواره باید در جهت پیش‌گیری از تک‌بعدی و تقلیل‌گرایانه شدن آن، به وجود شبکه‌ای از روابط بین معیارهای مربوط به قلمروهای گوناگون زیست‌پذیری توجّه داشت.

آن‌چه در این تحقیق مدّنظر قرار دارد، ادراک ذهنی افراد از وضعیّت تأمین نیازهای زیستی خود در روستاهای مورد مطالعه است. به این معنا که برخلاف فرایندهای رایج برنامه‌ریزی که با تکیه بر استانداردها و سرانه‌ها سعی بر شناسایی نحوه و کیفیت تأمین نیازهای زیستی افراد دارند، در این‌جا تأکید بر پرسش از مردم و دریافت بازخورد از ایشان در مورد دیدگاه ایشان از نحوه و وضعیّت تأمین نیازهای زیستی ایشان در جهت تبدیل روستا به محلّ مناسب و مطلوب برای کار و زندگی است.

1. Norris & Blossingame
2. Pittman
3. Camsys
4. Perogardo Madrid

شهرستان ورامین نیز همچون دیگر شهرستان‌های واقع در منطقهٔ کلان‌شهری تهران، پدیده‌های پیرامون شهرنشینی (و اثرات آن مانند افت شتابان محیطی، دگرگونی بدون برنامه کاربرد زمین، کمبودهای شدید خدماتی و نیازهای پاسخ داده‌نشده) و برخورد شهر و روستا در روستاهای پیرامون شهری (که بیشتر محلّ سکونت گروه‌های درآمدی پایین‌تر – یعنی گروهی که بیش از گروه‌های درآمدی از اثرات منفی مجاورت شهرها و روستاها صدمه می بینند– است) را تجربه می‌کند. روستاهای این منطقه به دلیل واقع‌شدن در حوزهٔ کلان‌شهری تهران دارای ویژگی‌هایی مانند مهاجرپذیری، توسعهٔ شهرک‌ها و روستاهای خواب‌گاهی، نامشخّص‌بودن مرز شهر و روستا، آمیختگی اجتماعی و قومیّتی هستند. صدمات و خطرات ناشی از هم‌جواری‌ها و شرایط نامناسب بر سلامتی انسان ساکن در این روستاها را می‌تواند خطرهای کالبدی مربوط به سکونت در مساکن نامناسب و ناامن، نبود بهداشت محیط لازم و کافی، محرومیّت از انواع خدمات رفاهی و تسهیلات زیربنایی، دانست. برآیند تمامی این مشکلات، شکل‌گیری نابرابری اقتصادی– اجتماعی، کیفیت نازل زندگی و در نهایت افت سطح زیست‌پذیری در این روستاها است. هدف از این تحقیق، بررسی متغیرهای فردی مؤثر بر زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری شهرستان ورامین به‌عنوان یکی از شهرستان های واقع در حوزهٔ کلان‌شهری تهران است (خراسانی، ۱۳۹۱، صص. ۲۰ و ۱۶۷).

۲. پیشینهٔ تحقیق

ورگونست[1] (۲۰۰۳) چهارچوبی را برای زیست‌پذیری در منطقهٔ روستایی آسپینگه[2] در سوئد معرّفی کرد. در این چهارچوب، زیست‌پذیری حاصل تعامل بین پنج عامل ساکنان محلّی، زندگی اجتماعی، سطح خدمات، اقتصاد محلّی و مکان فیزیکی است. در مورد ساکنان محلّی، تعداد، ساختار جمعیّت‌شناختی(سن و جنس)، و شیوهٔ زندگی در بین سایر عوامل از اهمیّت بیشتری برخوردارند. سطح خدمات اشاره به ارتباط‌ها، مدارس، خانه‌ها برای سالمندان و فروشگاه‌ها دارد. اقتصاد محلّی

1. Vergunst
2. Aspinge

نشان‌دهندهٔ توان محل برای ایجاد اشتغال و درآمد و در نهایت مکان فیزیکی تشریح‌کنندهٔ چشم‌انداز و ساختمان‌های ناحیه است.

ژانگمائو[1] (۲۰۰۹) مدل ارزیابی سیستم شاخص‌ها را به ۵ بخش قابل تقسیم می‌داند. بر مبنای کار وی بخش اوّل شاخص‌ها، مواد هستند. مواد در زمرهٔ شاخص‌های اصلی برای اندازه‌گیری استانداردهای زندگی مردم هستند. مواد می‌توانند شرایط مناسب زندگی را برای روستاها به ارمغان آورده و آن‌ها را محیط‌هایی جذاب برای کار و زندگی سازند؛ بنابراین درآمد سرانه و پس‌انداز سرانه به‌عنوان شاخص‌های مناسب این بخش، جمع‌آوری شده و در نظر گرفته شدند. بخش دوم، شاخص-های آموزشی هستند. آموزش، شاخص مناسبی برای اندازه‌گیری سطح آموزشی و کیفیت روستاییان است. بخش سوم، اندازه‌گیری امکاناتی است که استانداردهای زندگی در نواحی روستایی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بخش چهارم، شاخص خدمات پزشکی و بهداشتی در نواحی روستایی است که نشان‌دهندهٔ سهولت اقدامات پزشکی و سطح خدمات بهداشتی در نواحی روستایی است. به دلیل سختی جمع‌آوری اطّلاعات، فقط شاخص تعداد پرسنل پزشکی به ازای هزار نفر ساکنان نواحی روستایی به‌عنوان تنها شاخص این بخش در نظر گرفته شد. بخش پنجم شاخص‌ها به اندازه‌گیری وضعیّت امنیّت اجتماعی در نواحی روستایی می‌پردازد. امنیّت اجتماعی در یک ناحیهٔ روستایی موضوع بسیار مهمّی است که مکملی برای توسعهٔ اقتصادی، فرهنگ، آموزش و مانند آن‌ها محسوب می‌شود و می‌تواند در رفع شک و دودلی روستاییان خصوصا در مورد تفکر سنّتی بزرگ‌کردن فرزندان برای مراقبت از والدین در سنین پیری، کمک شایانی کند.

۳. روش‌شناسی

روش تحقیق در پژوهش حاضر با توجّه به ماهیت و اهداف موضوع «تبیین زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری»، روش توصیفی- تحلیلی است. با توجّه به نو بودن موضوع تحقیق در کشور و نیز سابقهٔ بسیار اندک این موضوع در مطالعات روستایی در سطح جهان، در این تحقیق با استفاده از روش‌هایی که در بخش سنجش روایی و پایایی پرسش‌نامه آمده است، اقدام به استخراج

1. Zhangmao

شاخص‌ها و نماگرهای زیست‌پذیری در سکونت‌گاه های شهری و روستایی و در مرحلهٔ بعد، انطباق آن‌ها با شرایط روستاهای پیرامون شهری شد. به این ترتیب که در مرحلهٔ اوّل و با استفاده از تحلیل محتوایی مطالعات انجام‌شده در سطح جهان، شاخص‌های مربوطه استخراج شد و در مرحلهٔ دوم، با استفاده از پرسش‌نامهٔ طراحی‌شده برای محققان، از بین کلّیهٔ شاخص‌ها و مؤلفه‌های استخراج‌شده، شاخص‌ها و نماگرهای تحقیق به شرح زیر و پس از عبور از فیلتر پرسش‌نامهٔ اوّلیهٔ مرحلهٔ پیش-آزمون، در پرسش‌نامهٔ نهایی استفاده شدند. ابعاد، شاخص‌ها و گویه‌های تحقیق در (جدول ۱) بیان شده است.

جدول۱- ابعاد، شاخص‌ها و گویه‌های زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری

مأخذ: مبانی نظری تحقیق، ۱۳۹۱

ابعاد	شاخص‌ها	گویه‌ها
اقتصادی	اشتغال و درآمد	داشتن شغل مناسب، امکان دسترسی به شغل مناسب در روستا یا شهر مجاور، تعدد فرصت‌های شغلی در روستا، درآمد مناسب فرصت‌های شغلی موجود در روستا، تعدد فرصت‌های شغلی در شهر مجاور، درآمد مناسب فرصت‌های شغلی موجود در شهر مجاور
	مسکن	استحکام بنای مسکن، برخورداری از حمام مناسب و بهداشتی در مسکن، برخورداری از سیستم گرمایش و سرمایش مناسب در مسکن، برخورداری از روشنایی کافی در مسکن، برخورداری از سیستم دفع بهداشتی فاضلاب در مسکن، مساحت مناسب و کافی مسکن، تعداد اتاق‌های کافی در مسکن
	حمل‌ونقل عمومی	ساعات کار وسایل نقلیهٔ عمومی، تعداد وسایل نقلیهٔ عمومی، تعداد وسایل نقلیهٔ حمل بار، دسترسی مناسب به وسایل حمل‌ونقل عمومی
	امکانات و خدمات زیرساختی	کیفیت راه دسترسی به شهر، کیفیت راه‌های دسترسی به روستاهای اطراف، کیفیت معابر و میادین، کیفیت آب شرب روستا، کیفیت تأمین نیازهای روزمره توسّط فروشگاه (های) خواروبار روستا، کیفیت خدمات تعاونی روستایی یا تعاونی روستای محل مراجعه، کیفیت شبکهٔ گاز لوله کشی
اجتماعی	آموزش عمومی	فضای آموزشی مناسب و کافی مدارس، کیفیت دسترسی دانش‌آموزان به مدارس شهر مجاور، کیفیت تجهیزات آموزشی مدارس، کیفیت ساختمان‌های مدارس، کیفیت معلّمان مدارس
	بهداشت	کیفیت خدمات شبکه (خانهٔ بهداشت) روستا

ابعاد	شاخص‌ها	گویه‌ها
	مشارکت و همبستگی	دل‌سوزی اهالی برای آبادانی روستا، ارتباط مردم با اعضای شورای اسلامی و دهیار روستا، خودیاری مردم در حین انجام پروژه‌های عمرانی در روستا، حضور و همفکری زنان روستا در امور روستا همانند مردان، روحیهٔ کار گروهی در بین مردم روستا، میزان احترام مردم روستا به یکدیگر، قابل اعتماد بودن دهیار روستا، قابل اعتماد بودن اعضای شورای اسلامی روستا، استقبال دهیار و شورای اسلامی روستا از مشارکت مردم، قابل اعتماد بودن مردم روستا
	پیوستگی و تعلّق مکانی	تمایل به زندگی در روستا، حس دلتنگی در صورت دوری از روستا، دارای رابطهٔ خوب با بستگان و همسایگان در روستا، امیدواری به بهبود شرایط زندگی در روستا، تمایل به اشتغال در روستا، تمایل به سرمایه‌گذاری در روستا، تمایل به گذران اوقات فراغت در روستا، اعتقاد به مناسب‌ترین مکان بودن روستا برای زندگی در سطح منطقه، زندگی در روستا در صورت وجود شرایط کار و زندگی در شهر
	امنیّت فردی و اجتماعی	پایین‌بودن میزان جرایم (سوء مصرف مواد مخدر، سرقت و ...)، پایین‌بودن نزاع-های قومی و طایفه‌ای، پایین‌بودن میزان نزاع بین افراد بومی و تازه‌وارد، امنیّت تردد زنان در طی شبانه‌روز، امنیّت تردد پیاده در شب، امنیّت تردد سواره در شب، امنیّت عبور از جاده و خیابان از نظر سرعت اتومبیل‌ها در طی شبانه‌روز، کیفیت عملکرد پاسگاه انتظامی
	تفریحات و اوقات فراغت	کیفیت خدمات و تجهیزات سالن ورزش روستا یا محل مراجعه، کیفیت خدمات و وسعت کتاب‌خانهٔ روستا یا محل مراجعه، کیفیت خدمات اماکن فرهنگی و مذهبی مانند مسجد و حسینیه، کیفیت خدمات اماکن فرهنگی و تاریخی روستا، کیفیت خدمات فضاهای فراغتی و تفریحی مانند تالار اجتماعات
زیست محیطی	فضاهای سبز و باز	وسعت فضای بازی کودکان یا فضای سبز روستا، کیفیت فضای بازی کودکان از نظر امنیّت و نظافت، محل قرار گرفتن محل بازی کودکان یا فضای سبز روستا
	آلودگی	کیفیت جمع‌آوری زباله از سطح روستا، کیفیت جمع‌آوری آب‌های سطحی، کیفیت جمع‌آوری فاضلاب، آرامش و فقدان آلودگی صوتی، آلودگی ناشی از رفت و آمد وسایل نقلیه، آلودگی ناشی از کارگاه‌های صنعتی، آلودگی ناشی از نزدیکی به محل رهاسازی ضایعات و نخاله‌جات ساختمانی
	چشم‌انداز	چشم‌انداز زیبای طبیعی، چشم‌انداز مناسب ساختمان‌ها و معماری بناها ، چشم‌انداز مناسب معابر و خیابان‌ها، چشم‌انداز فضای سبز روستا

در این تحقیق از روش کوکران برای نمونه‌گیری استفاده شده است. واحد تحلیل این تحقیق خانوارهای روستایی بوده‌اند و سطح تحلیل روستا است. بر این اساس با توجّه به تعداد خانوارهای ساکن در این روستاها، ۳۸۰ نفر و برای افزایش دقّت در نتایج تعداد ٤٠٠ پرسش‌نامه تهیّه و تکثیر شده و پس از تکمیل، نتایج آن در نرم‌افزار SPSS وارد شد. ویژگی‌های جمعیّتی و تعداد نمونه‌های منتخب هر روستا در (جدول۲) نشان داده شده است.

جدول ۲ – ویژگی های جمعیّتی و تعداد نمونهٔ آماری روستاهای مورد مطالعه

مأخذ: سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۸۵

توضیح / روستا	تعداد خانوار ۱۳۸۵	جمعیّت	تعداد نمونه
روستاهای پیرامون شهر ورامین			
احمدآباد وسط	٥٨٦	٢٤٩٣	٢٠
جعفرآباد اخوان	٤٠٤	١٦٤٩	٢٠
علی‌آباد فرسوده	٥٤٨	٢١٧٨	٢٠
ریحان‌آباد	٩٢٢	٣٨٥٨	٣٠
روستاهای پیرامون شهر قرچک			
ولی‌آباد	٨٤٩	٣٦٦٣	٣٠
امین‌آباد	٢٧٦	١١٨٢	١٥
محمّدآباد اعلا	١٢١٣	٥٠٤٤	٣٥
داودآباد	١٧٥٣	٧٤٣٥	٥٠
قشلاق جیتو	١٦٨٩	٧٣٤٦	٤٥
قشلاق‌مشهدی‌ابوالحسن	٧١١	٣١٥٦	٢٠
قشلاق‌مشهدی‌محمد	١٥٦٩	٦٩٢٣	٤٥
روستاهای پیرامون شهر پیشوا			
حبیب‌آباد	٥٥١	٢٣٣٣	٢٥
قاسم‌آباد	١٧٠	٨١٨	١٥
دربالا	١١٦	٥٤٤	١٥
روستاهای پیرامون شهر جوادآباد			
حصارقاضی	١٦١	٧٠٦	١٥
جمع	١١٥١٨	٤٩٣١٨	٤٠٠

بررسی روایی پرسش‌نامه‌های محقق‌ساخته معمولا با استفاده از نظرات کارشناسان و متخصّصان حوزهٔ مورد بررسی تحقیق انجام می‌پذیرد. برای بررسی روایی پرسش‌نامهٔ خانوار که به‌عنوان ابزار اصلی این تحقیق برای سنجش زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری استفاده شده است، از نظرات کارشناسان رشته‌های جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، توسعهٔ روستایی و جامعه‌شناسی بهره گرفته شده است.

بررسی اعتماد یا پایایی پرسش‌نامه از طریق پیش‌آزمون آن در منطقهٔ مورد مطالعه انجام پذیرفت. بر این اساس از پرسش‌نامه‌ای که مرحلهٔ تشخیص و سنجش روایی را توسّط محققان پشت سر گذاشته بود، ۳۰ عدد تهیّه شده و در بین ساکنان ٤ روستا از روستاهای مورد مطالعه که هریک در مجاورت یکی از شهرهای سطح شهرستان ورامین یعنی شهرهای قرچک، ورامین، پیشوا و جوادآباد قرار داشتند و بنا بر اصل تسهیم متناسب و بر مبنای جمعیّت آن‌ها توزیع شده و پس از تکمیل، جمع‌آوری شدند. داده‌های حاصل از این پرسش‌نامه‌ها پس از واردشدن به نرم‌افزار SPSS و انجام فرایند تحلیل جهت تشخیص پایایی تحقیق استفاده شدند.

در این تحقیق برای سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری؛ یعنی پرسش‌نامهٔ خانوار، از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. آلفای کرونباخ به دست آمده در این تحقیق برابر با ۰/۹۵۵ بوده است که نشانگر ضریب پایایی بسیار قوی برای پرسش‌نامهٔ تحقیق است.

برای تحلیل داده‌ها جهت استخراج نمرهٔ نهایی، میانگین نمرهٔ اخذشده در گویه‌های پرسش‌نامه و در یک سطح بالاتر، در شاخص‌های منظورشدهٔ زیست‌پذیری در پرسش‌نامه، در وزن به دست آمده برای شاخص مذکور ضرب می‌شوند و میانگین نمرهٔ به دست آمده از مجموع شاخص‌ها به عنوان نمرهٔ زیست‌پذیری هر روستا در نظر گرفته می‌شود.

بر این اساس از آن‌جایی که میانگین نمرهٔ داده‌شده به هر سه گروه شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برابر با ۲/۳ بوده است، نمرهٔ مذکور در طیف نمرهٔ در نظر گرفته شده در پرسش‌نامه یعنی نمرات ۵-۱ ضرب شده است. حاصل آن طیف نمرهٔ ۲/۳ تا ۱۱/۵ است. به این ترتیب روستاها براساس وضعیّت قرارگیری در این طیف دارای وضعیّت زیست‌پذیری نامطلوب، متوسّط و مطلوب هستند که در (جدول ۳) قابل مشاهده است.

جدول ۳- طبقه‌بندی زیست‌پذیری در روستاهای مورد مطالعه

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱

نمرهٔ زیست‌پذیری	وضعیّت زیست‌پذیری
۲/۳–۵/۳۵	نامطلوب
۵/۳۵–۸/٤	متوسط
۸/٤–۱۱/۵	مطلوب

۳. ۱. منطقهٔ مورد مطالعه

منطقهٔ مورد مطالعه در این تحقیق، روستاهای پیرامون شهری شهرستان ورامین هستند. جامعهٔ آماری این مطالعه، روستاهای واقع در پیرامون ٤ نقطهٔ شهری شهرستان ورامین است. این شهرستان با مساحت ۱۷۷۵ کیلومتر مربع و ۹/۳۹ درصد مساحت استان تهران، در منتهی‌الیه جنوب‌شرقی استان قرار دارد. از نظر تقسیمات کشوری شهرستان ورامین از ٤ بخش ورامین و پیشوا و جوادآباد و قرچک، ۸ دهستان و ٤ شهر ورامین، پیشوا، جوادآباد و قرچک تشکیل شده است و ۲۱٦ آبادی را در خود جای داده است. از این تعداد آبادی، ٦۳ آبادی خالی از سکنه هستند، امّا شهرستان ورامین یکی از مناطق مهاجرپذیر استان در طی دهه‌های گذشته بوده است، از این رو روستاهای پیرامون نقاط شهری سطح شهرستان، دارای جاذبهٔ زیادی برای پذیرش جمعیّت مهاجری هستند که به دلایل مختلف نتوانسته‌اند در شهر تهران جایی برای سکونت بیابند و اکنون در این روستاها سکونت دارند، البتّه فاصله از شهر تهران عامل مهمّی در پذیرش این مهاجرین است و با فاصله‌گرفتن از تهران، نسبت مهاجران در این روستاها کاهش می‌یابد. نحوهٔ انتخاب این روستاها بر مبنای سه عامل رشد مثبت جمعیّت در دو دههٔ گذشته، قرارداشتن در حریم مصوّب شهر مجاور و تأمین مایحتاج روزانه از شهر مجاور بر مبنای داده‌های مرکز آمار ایران در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ است.

٤. مبانی نظری

در این بخش ابتدا به بررسی مفهوم روستاهای پیرامون شهری پرداخته و در ادامه مفهوم زیست-پذیری را کنکاش کرده و ابعاد مختلف آن را شناسایی می‌کنیم.

٤. ١. روستاهای پیرامون شهری

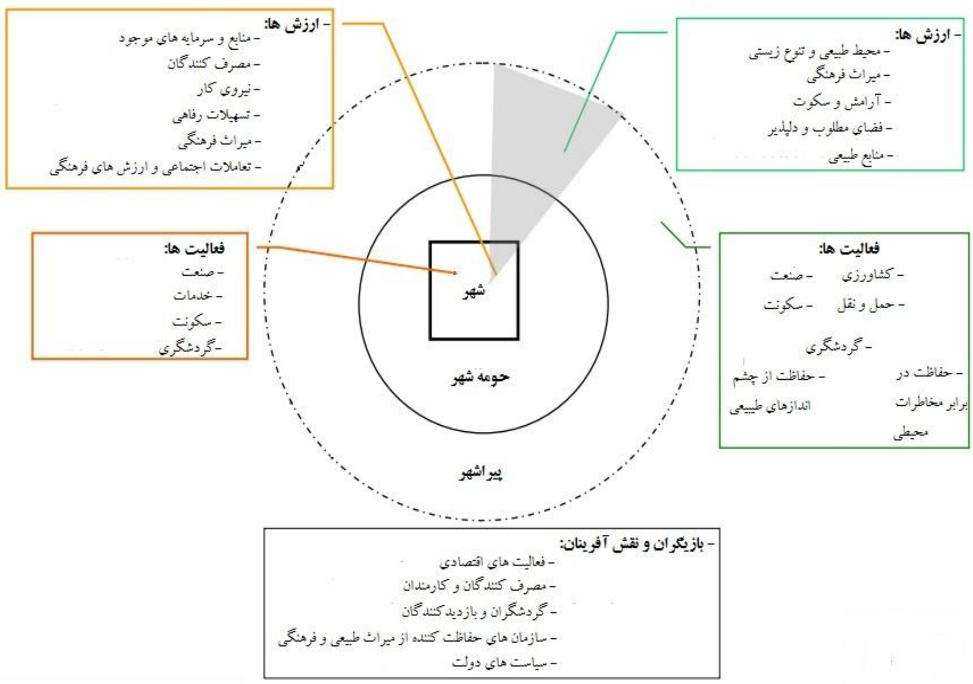
مفهوم ناحیهٔ پیرامون شهری، اشاره به ناحیه‌ای دارد که فرآیندهای توسعهٔ روستایی و شهری در آن‌جا –لبهٔ شهرها– به هم می رسند، با هم ترکیب می‌شوند و بر هم کنش انجام می‌دهند. این ناحیه، محسوس و قابل تشخیص نیست، بلکه قلمرویی مبهم است که به وسیلهٔ ترکیبی از پدیده‌ها و اشکال ایجادشده توسّط فعالیّت‌های واقع در منطقهٔ شهری ایجاد می‌شوند. توسعهٔ ناحیهٔ پیرامون شهری، نتیجهٔ گریزناپذیر پدیدهٔ شهرنشینی است. به موازات رشد شهرها در کشورهای در حال توسعه، نواحی پیرامون شهری هم به سمت بیرون می‌خزند. ناحیهٔ پیرامون شهری، ناحیهٔ انتقال از اراضی کاملا شهری به زمین‌های غالبا کشاورزی است. این ناحیه به وسیلهٔ کاربری‌های ترکیبی و مرزهای درونی و بیرونی مشخّص می‌شود و بین تعدادی از مناطق اداری تقسیم می‌شود. سکونت‌گاه‌های پیرامون شهری در معرض بی‌توجّهی، کشمکش و رقابت دائم هستند. به این معنا که نواحی انتقالی دریافت-کنندهٔ حداقل سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی محدود برای کاربری اراضی و عدم توجّه به مدیریت زیست‌محیطی نسبت به نواحی شهری هستند. با این وجود در طی دهه‌های اخیر، مفهوم نواحی شهری و روستایی به‌عنوان تمامیت‌های فیزیکی و اجتماعی مجزا به سمت روابط درونی و سیال بین این دو پیش رفته است. این توافق در حال شکل‌گیری است که پایداری شهرها و نواحی روستایی تحت تأثیر جریانات پویا و متغیر کالاها، سرمایه، منابع طبیعی، مردم و آلودگی از طریق همین نواحی پیرامون شهری است. این ناحیه حامل رقابت بین دیدگاه‌های رقیبی است که در بین راهبردهای کاهش فقر، حفاظت از محیط زیست، حداکثرسازی بهره‌وری نیروی انسانی و منابع طبیعی و هم‌ساز کردن روابط شهرها و روستاها، گرفتار شده است (مک گرگور[1]، ٢٠٠٥، ص. ١٣٤).

امروزه تیپ‌های مختلفی از مناطق در حال انتقال بین شهر و نواحی روستایی وجود دارد. بسیاری از روستاهایی که دارای فاصلهٔ زیادی از شهر بودند در حال پذیرش مهاجران، رشد و تغییر در ترکیب جمعیّت و کاربری زمین و مبنا و شالودهٔ اقتصادی خود هستند. در نهایت این نواحی بخشی از ناحیهٔ ساخته‌شدهٔ شهری می‌شوند که شامل ترکیب پیچیده‌ای از خانه های رسمی، آلونک‌ها و کلبه‌های روستایی و دیگر مساکن می‌شوند. گرچه ممکن است این سکونت‌گاه‌ها در طی زمان به شکل مساکن

---

1. Mc Gregor

شهری بازسازی شوند، ولی اغلب هویّت متفاوتی را بر مبنای ساختارهای سنّتی خویش به دست می-آورند (مک گرگور، ۲۰۰۵، صص. ۵-٤). زمانی که تقاضا برای توسعهٔ مسکونی در نواحی پیرامون شهری بررسی می شود، قیمت‌های پایین‌تر زمین و افزایش هزینهٔ حمل‌ونقل به مراکز شهری به همراه فرصت های استخدام و خرید در این نواحی، نقش مهمّی را ایفا می‌کنند. از این رو افزایش دسترسی به نواحی شهری و جابه‌جایی بنگاه‌های اقتصادی از مراکز شهرها به نواحی حاشیهٔ شهری، مهم‌ترین عوامل تغییرات در کاربری اراضی در برخوردگاه شهر و روستا هستند. (بل و مورس[1]، ۲۰۰۲، ص. ۱۲۰). در (شکل ۱) ارزش‌ها، فعالیّت‌ها و بازیگران و نقش آفرینان شهر و پیرامون شهر نشان داده شده است.



شکل ۱- ارزش ها، فعالیّت‌ها و بازیگران و نقش‌آفرینان شهر، حومه و پیرامون شهر

مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۱

1. Bell & Morse

٤. ٢. زیست‌پذیری

در حال حاضر توافق اندکی بر روی تعریف زیست‌پذیری وجود دارد. زیست‌پذیری یک مفهوم کلّی و کلان است که به واسطهٔ مکان‌ها و گروه‌های اجتماعی مختلف، دارای تعاریف متفاوتی بوده است و معمولاً شامل ویژگی‌هایی است که برای مردم محلّی و رهبران بومی و مدنی دارای اهمیّت است. بسیاری از محققان زیست‌پذیری را مفهومی می دانند که تعریف‌کردن و اندازه‌گیری آن بسیار سخت است (ویلر[1]، ٢٠٠١، ص. ٦؛ هیلن[2]، ٢٠٠٦، ص. ٢؛ بالساس[3]، ٢٠٠٤، ص. ١٠٣). اصطلاح زیست‌پذیری پوشش‌دهندهٔ انواعی از معانی است که بستگی به اهداف اندازه‌گیری و نظرگاه و چشم‌انداز افراد اندازه‌گیری‌کننده دارد. هیلن (٢٠٠٦) معتقد است که در ادبیّات موجود در ارتباط با این اصطلاح هیچ توافقی در ارتباط با ابعادی که باید مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار بگیرند، وجود ندارد. این تشتت آرا طبیعی به نظر می رسد؛ زیرا محققان دارای رشته‌های تخصّصی متفاوت هستند؛ بنابراین زیست‌پذیری در رشته‌های مختلف مانند اکولوژی، جغرافیا، جامعه‌شناسی، معماری و برنامه‌ریزی شهری استفاده می‌شود.

به طور کلّی تعاریف زیست‌پذیری شامل مجموعهٔ متنوّعی از موضوعات مختلف است که به وسیلهٔ یک‌سری اصول راهنما بیان می‌شوند. دسترسی، برابری و مشارکت که مفاهیم مربوط به زیست‌پذیری بر مبنای آن‌ها شکل می‌گیرند. کیفیت زندگی شهروندان به میزان دسترسی آن‌ها به زیرساخت‌ها (حمل‌ونقل، ارتباطات، آب و بهداشت)، غذا، هوای پاک، مسکن مناسب، شغل راضی‌کننده و فضای سبز و پارک‌ها بستگی دارد. زیست‌پذیری یک سکونت‌گاه همچنین به میزان دسترسی ساکنان آن به مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری در جهت تأمین نیازهایشان هم بستگی دارد.

تعاریف ارائه‌شده تاکنون بیشتر با توجّه به اهمیّت تحوّل در اولویّت‌های برنامه‌ریزی به سمت نیازهای روزافزون جامعهٔ فراصنعتی و در جست‌وجوی تسهیلات و کیفیت زندگی بوده‌اند. در مقابل، مفهوم زیست‌پذیری به دلیل اهمیّت تهدیدهای موجود در حوزهٔ وضعیّت کیفیت زندگی رشد یافته است. عواملی مانند رشد سریع، فقدان اراضی زراعی و فضاهای باز، کمبود مسکن، رشد نابرابری

1. Wheeler
2. Heylen
3. Balsas

اجتماعی، ضعف رو به تزاید هویّت محلّی، مکانی و زندگی اجتماعی، تهدیدهای جدی برای زیست-پذیری اجتماع محسوب می‌شوند (فلوریدا[1]، ۲۰۰۲، ص. ۲۷؛ کوتکین[2]، ۲۰۰۰، ص. ٦۳؛ اینگلهارت[3]، ۱۹۹۰، ص. ۲۰).

زیست‌پذیری به سه بعد وابسته به هم تقسیم می شود. اقتصاد، اجتماع و محیط زیست. اقتصاد، تأمین‌کنندهٔ مشاغل و درآمد بوده و برای سلامتی مردم حیاتی است (مثلا در توان ایشان برای به دست آوردن خوراک، پوشاک و مسکن) و همین‌طور برای تأمین نیازهای سطوح بالاتر مانند آموزش، بهداشت و تفریحات. هم‌زمان باید استفادهٔ اقتصاد از منابع موجود در محیط زیست به نحوی باشد که اطمینان از وجود منابع کافی برای نسل‌های حال و آینده وجود داشته باشد، امّا بهزیستی اجتماعی وابسته به عدالت است. توزیع اجتماعی و فضایی منابع اقتصادی و زیست‌محیطی به نحو عادلانه، همچنین سیستم‌های حکومتی که همهٔ شهروندان را محسوب می‌کنند. آزادی فردی و فرصت‌های برابر از اجزای مهمّ تشکیل‌دهندهٔ بهزیستی اجتماعی هستند. محیط زیست، زیرساختی است که تأمین-کنندهٔ منابع طبیعی، ظرفیت دفع زباله و ارتباط بین انسان و محیط طبیعی است. اگر کارکرد هریک از این سه با اختلال مواجه شود، سکونت‌گاه‌های انسانی می‌توانند به سرعت دچار اضمحلال شده و در نتیجه کاهش جمعیّت، فقر، تضاد اجتماعی و بالارفتن میزان مسائل بهداشتی زیست‌محیطی، از عواقب آن خواهند بود. این سه‌گانهٔ طلایی اهدافی مانند بهره‌وری اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت محیطی را دنبال می‌کنند.

نگاهی نیز داریم به اهداف مورد نظر توسّط گروه‌ها و نهادهای مختلف از دنبال کردن هدف زیست‌پذیری اجتماعات شهری و روستایی.

پروژهٔ ایجاد جوامع زیست‌پذیر[4] در ایالات متحدهٔ آمریکا، اهداف زیر را در جهت بهبود زیست-پذیری اجتماعات محلّی در این کشور در نظر گرفته است. احیای اجتماعات محلّی موجود، بهبود محیط زیست و سلامت عمومی و کیفیت زندگی، تأمین امکانات حمل و نقل بیشتر، بهبود کیفیت-

1. Florida
2. Kotkin
3. Inglehart
4. Making Livable Communities Project

مداری و تبدیل آن‌ها به مراکز محلّه‌ای، توسعهٔ فرصت‌های اقتصادی، افزایش امنیّت اجتماعی و پیش‌-گیری از جرم، حفاظت از اراضی زراعی و فضاهای باز و ایمنی در برابر مخاطرات محیطی (کلینتون – گور[۱]، ۲۰۰۰، ص. ۲۵)

برنامه‌ریزی منطقهٔ کلان‌شهری ونکوور[۲] که به‌عنوان پیشرو در بررسی و ارزیابی زیست‌پذیری در جهان شناخته می‌شود، اصول مبنایی و ریشه‌ای زیست‌پذیری در سکونت‌گاه‌های انسانی را دسترسی، برابری و مشارکت دانسته است. بر این مبنا سکونت‌گاه زیست‌پذیر جایی است که امکان دسترسی به زیر ساخت‌ها (حمل‌ونقل، ارتباطات، آب و بهداشت)، غذا، هوای پاک، مسکن مناسب، شغل مناسب و مورد علاقه و فضای سبز و پارک‌ها را برای همهٔ شهروندان مهیا سازد (تیمر و سیمور[۳]، ۲۰۰۵، ص. ۱۰). این طرح، راهبردهای زیر را در جهت تحقّق زیست‌پذیری در پیش گرفت.

- حفاظت از فضاهای سبز: حفاظت از منابع طبیعی شامل پارک ها و مزارع.
- ایجاد اجتماعات محلّی کامل: توازن بهتر در توزیع مشاغل، مساکن با کیفیت، خدمات عمومی از طریق ایجاد اجتماعات محلّی کامل.
- ایجاد منطقهٔ کلان‌شهری ترکیبی: تمرکز رشد بر مکان‌های خاص با هدف حمایت از اهداف بخش حمل‌ونقل و محیط زیست.
- افزایش قدرت انتخاب برای حمل‌ونقل: اولویّت‌دهی به پیاده‌روی، دوچرخه سواری، حمل‌ونقل عمومی و از اولویّت خارج‌کردن سفرهای وسایل نقلیهٔ تک سرنشین (اوئنز[۴]، ۲۰۰۵، ص. ۹).

برای سنجش وضعیّت زیست‌پذیری یک مکان، نخستین کاری که باید انجام پذیرد این است که سلسله‌مراتبی از نیازها که در صدر آن‌ها نیازهای اساسی قرار دارند را در نظر بگیریم. مطابق با هرم نیازهای مازلو[۵] (۱۹۴۳) زیست‌پذیری محلّی بدون دسترسی به سرپناه، تغذیه و بهداشت عمومی در حد کفایت، امکان‌پذیر نیست. تجربهٔ کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که زیست‌پذیری باید

1. Clinton- Gore Administration
2. Greater Vancouver Regional District
3. Timmer & Seymoar
4. Owens
5. Maslow

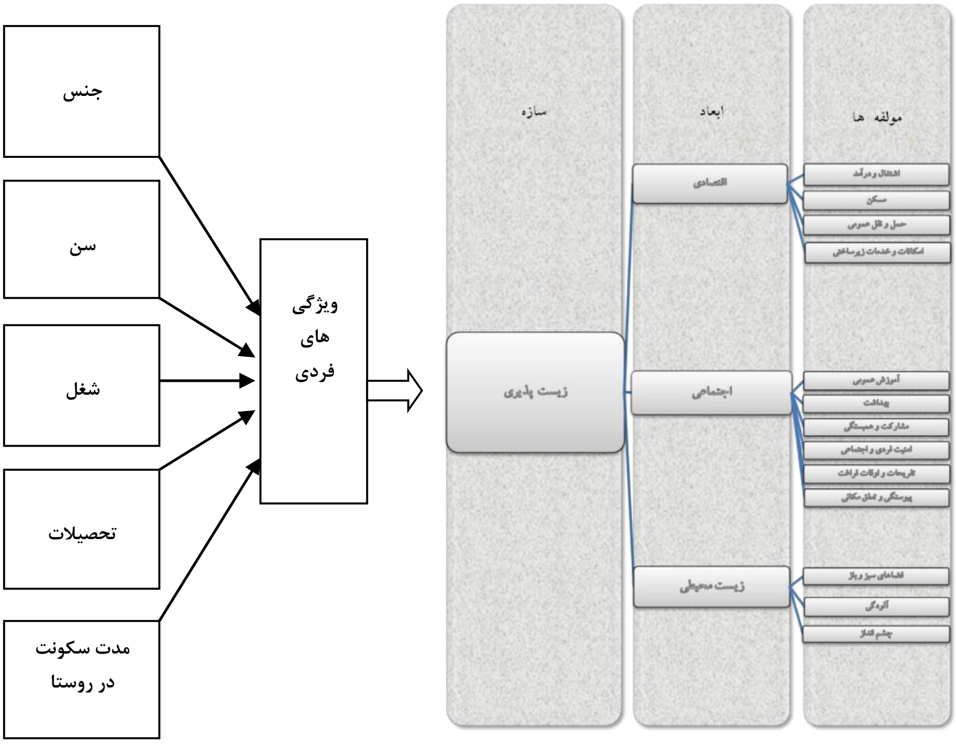
ابتدا به وسیلهٔ نیازها و خدمات اساسی که مبنای بقای زیستی و فیزیولوژیک انسان را تشکیل می‌دهند، سنجیده شود (وولفنسون[1]، ۱۹۹۲، ص. ۱۱؛ اوانز[2]، ۲۰۰۲، ص. ۱٤). امنیّت فردی و عمومی نیز با اختلاف اندکی دارای درجهٔ بعدی از نظر اهمیّت است. امنیّت شامل معیارهای فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی است و باید در جهت مرتفع کردن تهدیدهای خواست‌های مادی، آسیب‌های اجتماعی، نابرابری و بی‌عدالتی باشد. احساس تعلّق به اجتماع محلّی، انسجام محلّی و شبکه‌های اجتماعی، دارای اهمیّت زیادی در زیست‌پذیری مکان‌ها هستند. در درجهٔ بعدی، نیازهای دارای سطوح بالاتر مانند هویّت فردی و هویّت مکانی، رضایت و نیازهای روانی قرار می‌گیرند. اندروز[3] (۲۰۰۱) معتقد است که زمانی که جامعه دچار شرایط سخت اقتصادی است، مردم بر روی نیازهای اساسی زیست-پذیری مانند شغل، امنیّت، غذا و سرپناه تمرکز می‌کنند، حال آن‌که در شرایط رونق اقتصادی، تمرکز بر روی سطح تسهیلات و فرصت‌های بهبود کیفیت زندگی است. زیست‌پذیری بر روی میزان کارایی خدمات، کاربری‌ها و فعالیّت‌ها در سطح محلّی تمرکز می‌کند. گروهی از خدمات، فعالیّت‌ها و کاربری‌ها که دارای تأثیر بیشتری در زندگی روزمرهٔ مردم محلّی هستند، دارای اهمیّت بیشتری در زیست‌پذیری مکان‌ها هستند (شورای ملّی تحقیقات[4]، ۲۰۰۲، ص. ۲۳).

به طور خلاصه، زیست‌پذیری در روستاهای پیرامون شهری از اهمیّت و پیچیدگی خاصّی برخوردار است. مزایای موجود در این روستاها مانند مجاورت با شهر و بهره‌گیری از امکانات و خدمات شهری با صرف زمان و هزینهٔ کمتر نسبت به سایر روستاها از یک طرف و از طرف دیگر مشکلات و معضلات ناشی از اختلاط اقوام و فرهنگ‌های مختلف در نتیجهٔ پذیرابودن خیل مهاجران سرگردان و کم‌توان اقتصادی، بررسی و سنجش عوامل فردی را بر روی نحوه و کیفیت تأمین نیازهای زیستی مردم روستاها را دارای اهمیّتی خاص می‌کند.

مدل مفهومی تحقیق در (شکل ۲) نشان داده شده است.

---

1. Wolfensohn
2. Evans
3. Andrews
4. National Research Council



شکل ۲- مدل مفهومی تحقیق

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۱

۵. یافته‌های تحقیق

در این بخش از بررسی هرکدام از شاخص‌های زیست‌پذیری که خود مشتمل بر گویه‌های مختلفی است، اندازه‌گیری شده و سپس وضعیّت زیست‌پذیری آن‌ها تعیین می‌شد. در ادامه جداول مرتبط با میزان زیست‌پذیری شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی به تفکیک ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ارزش زیست‌پذیری در هرکدام از ابعاد از میزان‌های متفاوتی برخوردارند.

در انتها به بررسی وضعیّت کلّی زیست‌پذیری در روستاهای مورد مطالعه می‌پردازیم. به این ترتیب که در (جدول ٤) نمره و رتبهٔ زیست‌پذیری هر روستا و در آخر میانگین نمرهٔ زیست‌پذیری و رتبهٔ کلّی روستا نشان داده شده است.

جدول ٤ - وضعیّت ابعاد مختلف زیست‌پذیری در روستاهای مورد مطالعه

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱

نام روستا	زیست پذیری اقتصادی	رتبه	زیست پذیری اجتماعی	رتبه	زیست پذیری زیست محیطی	رت به	میانگین ابعاد زیست پذیری	رتبه
احمدآباد وسط	٦/۳۰	٤	٦/۲۳	٥	٤/٦۱	٥	٥/۷۱	٤
جعفرآباد اخوان	٥/۳۳	۱٤	٦/۲۸	٤	٤/۹۱	٤	٥/٥۰	٥
علی‌آباد فرسوده	٦/۳۹	۳	٦/٤۲	۳	٤/٥۰	٦	٥/۹۰	۳
ریحان‌آباد	٦/۰۲	۹	٥/۷۷	٦	٥/۳٥	۲	٥/۷۱	٤
ولی‌آباد	٦/۰٤	۸	٥/٥۷	۸	۳/۸۲	۱۱	٥/۱٤	۹
امین‌آباد	٥/۹۸	۱۰	٥/٦٦	۷	٤/۰۰	۹	٥/۲۱	۷
محمدآباد اعلا	٦/۱٤	۷	٥/٥۱	۹	۳/۹۱	۱۰	٥/۱۸	۸
داودآباد	٦/۲۲	٥	٥/۲۲	۱۲	۳/۲٤	۱٤	٤/۸۹	۱۰
قشلاق جیتو	٦/۱٦	٦	٥/٤٦	۱۰	٤/۱٤	۷	٥/۲۳	٦
قشلاق مشهدی ابوالحسن	٥/٤۸	۱۲	٤/۸۷	۱۳	۳/٥۱	۱۳	٤/٦۲	۱۲
قشلاق مشهدی محمد	٥/٤٦	۱۳	٤/۸۷	۱٤	۳/٥۳	۱۲	٤/٦۲	۱۲
حبیب‌آباد	٦/۸۰	۲	٦/٤۹	۲	٥/۰۳	۳	٦/۱۰	۲
قاسم‌آباد	٥/۸۸	۱۱	٥/۳۹	۱۱	۲/۷۲	۱٥	٤/٦٦	۱۱
دربالا	٤/۷٦	۱٥	٤/۸٤	۱٥	٤/۰٥	۸	٤/٥٥	۱۳
حصار قاضی	۷/۰۱	۱	۷/٥۸	۱	٥/٥۷	۱	٦/۷۲	۱

٥. ۱. رابطهٔ بین ویژگی‌های فردی با سطح زیست‌پذیری در روستاهای مورد مطالعه

این رابطه در دو قسمت بررسی شده است. ابتدا به بیان رابطهٔ بین ویژگی‌های فردی با شاخص‌های زیست‌پذیری پرداخته شد، سپس رابطهٔ بین ویژگی‌های مذکور با زیست پذیری به‌عنوان متغیر وابستهٔ اصلی در این تحقیق، بررسی شد.

٥. ۲. رابطهٔ بین ویژگی‌های فردی با شاخص‌های زیست‌پذیری

به این منظور برای متغیر تحصیلات که دارای مقیاس رتبه‌ای است، همچنین برای متغیرهای سن و مدّت زمان سکونت در روستا که دارای مقیاس فاصله‌ای است از روش همبستگی اسپیرمن[1] و برای

1. Spearman

متغیرهای جنس و شغل که دارای مقیاس اسمی هستند از روش همبستگی وی و کرامر[1] استفاده شده است. بر این اساس در (جدول ٥) خروجی آزمون‌های آماری مذکور برای سنجش رابطهٔ ویژگی‌های فردی با شاخص‌های زیست‌پذیری ذکر شده است.

جدول ٥- رابطهٔ ویژگی‌های فردی با شاخص‌های زیست‌پذیری

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱

ویژگی‌های فردی / شاخص‌های زیست‌پذیری	جنس	سن	شغل	تحصیلات	مدّت سکونت در روستا
اشتغال و درآمد	۰/٦٤۹	۰/٥٤۷	۰/۲۳۹	۰/۱۲۰	۰/۰۲٤
مسکن	۰/۳۰۱	۰/۸۹۱	۰/٤۹۰	۰/۷۳۱	/۲۸۰
حمل‌ونقل عمومی	۰/٤٤۳	۰/۰٤٤	۰/۰۳٦	۰/٥۹۷	۰/٤٦۲
امکانات و خدمات	۰/۸۳۸	۰/۸۲۲	۰/۹۷۸	۰/۱۸۳	۰/۲٤۱
آموزش عمومی	۰/۳٥۷	۰/۳۷۲	۰/٤٦٦	۰/۰٥٤	۰/٥٥۸
بهداشت	۰/۸۳۷	۰/۷۸٦	۰/٦۳۷	۰/۳۰٥	۰/٦۰۹
مشارکت و همبستگی	۰/٤۱٤	۰/۷٤۸	۰/٥۱۹	۰/٥۱۳	۰/۲۷۹
پیوستگی و تعلّق مکانی	۰/۲۲٥	۰/۷۹۱	۰/۳٥۳	۰/۱٦٦	۰/۰۱۲
امنیّت فردی و اجتماعی	۰/۲۱۸	۰/۱۲۱	۰/٤۰۱	۰/۸۱۳	۰/٦۰۱
تفریحات و اوقات فراغت	۰/۰۳۹	۰/۱٤۰	۰/۰٦۷	۰/۷۲۸	۰/۹٦۰
فضاهای سبز و باز	۰/۰۷۸	۰/۲۷۰	۰/۰۰۲	۰/۳٤٦	۰/۲٥۰
آلودگی	۰/۷۳۲	۰/۲۰۰	۰/۱۹٥	۰/۸۸٥	۰/۱۹۷
چشم‌انداز	۰/۸۱۲	۰/۳۳۳	۰/٥۸۰	۰/۷۳۱	۰/۰۱۳

چنان‌چه ملاحظه می‌شود، بین متغیر جنس با هیچ‌کدام از شاخص‌های زیست‌پذیری جز تفریحات و اقات فراغت، رابطهٔ معناداری وجود ندارد. همچنین بین متغیر سن با هیچ‌یک از شاخص‌های زیست‌پذیری رابطهٔ معنادار آماری مشاهده نمی‌شود، امّا بین شغل افراد پاسخ‌گو با شاخص‌های حمل-ونقل عمومی و فضاهای سبز و باز، رابطهٔ معنادار آماری وجود دارد. همچنین بین سطح تحصیلات افراد پاسخ‌گو با هیچ‌کدام از شاخص‌های زیست پذیری رابطهٔ معنادار آماری مشاهده نشده است. در

1. Vi & Cramer

نهایت این‌که بین مدّت زمان سکونت در روستا با شاخص‌های اشتغال و درآمد، پیوستگی و تعلّق مکانی و چشم‌انداز، رابطهٔ معنادار وجود داشته و بین این متغیر و مابقی شاخص‌ها هیچ رابطهٔ معنادار آماری مشاهده نشده است.

۵. ۳. رابطهٔ بین ویژگی‌های فردی با شاخص کلّی زیست‌پذیری

برای بیان رابطهٔ بین ویژگی‌های فردی با زیست‌پذیری مانند قسمت قبل عمل شده است. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، زیست‌پذیری به‌عنوان متغیر وابستهٔ اصلی در این تحقیق مورد توجّه قرار گرفته است که حاصل برآیند عوامل سیزده‌گانه است. در (جدول ٦) رابطهٔ بین ویژگی‌های فردی با زیست‌پذیری ذکرشده توسّط افراد آمده است.

جدول ٦- همبستگی بین ویژگی‌های فردی با زیست‌پذیری ادراک‌شده

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱

زیست پذیری / ویژگی‌های فردی	همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی
جنس	دارد	۰/۰۰۱	۰/۸۰۹
سن	ندارد	۰/۲۰۰	۰/۰٦٤
شغل	دارد	۰/۰۲۲	۰/۷۳۸
تحصیلات	ندارد	۰/۲٦٥	۰/۰٥٦
مدّت سکونت در روستا	دارد	۰/۰۰۰	۰/۱۹٦**

چنان‌چه مشاهده می‌شود، بین ویژگی‌های فردی جنس، شغل و مدّت زمان سکونت در روستا با زیست‌پذیری اعلام‌شده توسّط افراد رابطهٔ معنادار آماری برقرار است، امّا بین سن و میزان تحصیلات این رابطه مشاهده نمی‌شود. یافته‌های این بخش مؤیّد یافته‌های جدول قبلی است که در آن‌جا نیز بین سن و میزان تحصیلات با هیچ‌کدام از شاخص‌های زیست پذیری، رابطهٔ معناداری مشاهده نشد.

تحلیل قابل‌ارائه این است که جنسیت بر ادراک افراد بر تأمین نیازهای زیستی ایشان در روستاها تأثیرگذار است. عوامل متعدّدی از جمله تفاوت‌های موجود بین زنان و مردان از نظر بسترهای

فرهنگی موجود در روستاها برای تأمین نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فردی در این وضعیّت دخیل هستند.

همچنین بین شغل و ادراک از زیست‌پذیری رابطهٔ معناداری وجود دارد که اوّلین نکته ای که به ذهن متبادر می‌سازد، این موضوع است که به دلیل تنوّع شغلی موجود در روستاهای پیرامون شهری برخلاف فضای سنّتی روستاهای ایران که عمده مشاغل موجود در بخش کشاورزی هستند و تنوّع چندانی مشاهده نمی‌شود، عامل شغل بر ادراک ایشان از زیست‌پذیری تأثیرگذار بوده و همین تنوّع شغلی موجب درک متفاوت افراد از نحوه و کیفیت تأمین نیازهای زیستی آن‌ها می‌شود.

ارتباط بین مدّت سکونت در روستا با زیست‌پذیری درک‌شده از سوی افراد نشان‌دهندهٔ اهمیّت میزان تعلّق مکانی و خو گرفتن آن‌ها با محیط و محلّ زندگی‌شان است. افرادی که بومی روستا هستند، عمدتا در روستا مشغول به کار هستند؛ بنابراین به دلیل سابقهٔ طولانی سکونت و نیز گذراندن زمان بیشتر در طی شبانه روز در روستا تعلّق خاطر بیشتری دارند. حال آن‌که افراد مهاجر روستا را مکان موقتی برای زندگی خود می‌پندارند و آینده‌ای برای خود در آن متصوّر نیستند. مضاف بر این که ایشان به دلیل زمان کوتاه سکونت در روستا و نیز گذران وقت کمتر در روستا طی شبانه روز به دلیل کار در شهرهای اطراف و تهران از تعلّق خاطر کمتری به روستا برخوردارند و این امر تأثیر فراوانی بر ادراک ایشان از زیست پذیری روستا دارد.

٦. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

شناخت دقیق مسائل مربوط به روستاهای ایران از اهمیّت بسیار برخوردار است؛ زیرا ریشهٔ تمامی مشکلات و مسائل عقب‌ماندگی مانند فقر گسترده، نابرابری در حال رشد، رشد سریع جمعیّت و بیکاری فزآینده، ریشه در مناطق روستایی دارد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲، ص. ۲۹).

روستاهای پیرامون شهری به دلیل واقع‌شدن در پیرامون شهرها مبتلا به مشکلاتی هستند که برای روستاهای ایران جنبه‌ای نو و دفعی داشته و دریچهٔ نوینی را در فرایند برنامه‌ریزی روستایی و ناحیه‌ای به روی برنامه‌ریزان گشوده است. مجموعهٔ این شرایط، موقعیّت خاصّی را از نظر زیست‌پذیری در این روستاها ایجاد کرده است. تصور عام بر این است که این روستاها به دلیل موقعیّت جغرافیایی

خاص، بتوانند سطوح مناسب‌تر و مطلوب‌تری از زیست‌پذیری را برای ساکنان خود مهیا سازند، ولی چنانچه در نتایج این تحقیق مشخّص شد، وضعیّت موجود در روستاهای پیرامون شهری شهرستان ورامین تا حدود زیادی متفاوت هستند.

تحلیل یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که ارتباط معناداری بین شاخص‌های جنس، شغل و مدّت زمان سکونت در روستا با زیست‌پذیری روستاها وجود دارد. همچنین بین متغیر جنس با هیچ‌کدام از شاخص‌های زیست‌پذیری جز تفریحات و اوقات فراغت، رابطهٔ معناداری وجود ندارد، امّا بین شغل افراد پاسخ‌گو با شاخص‌های حمل‌ونقل عمومی و فضاهای سبز و باز، رابطهٔ معنادار آماری وجود دارد. همچنین بین مدّت زمان سکونت در روستا با شاخص‌های اشتغال و درآمد، پیوستگی و تعلّق مکانی و چشم‌انداز، رابطهٔ معنادار وجود داشته و بین این متغیر و مابقی شاخص‌ها هیچ رابطهٔ معنادار آماری مشاهده نشده است.

عدم ارتباط بین سن و میزان تحصیلات با زیست‌پذیری در روستاهای مورد مطالعه نشان‌دهندهٔ این موضوع است که افراد از سنین مختلف و با سطوح مختلف تحصیلات، دارای نگرش‌های یکسان نسبت به بر طرف‌شدن نیازهای زیستی هستند و این موضوع می تواند دارای جنبه‌های مثبتی باشد؛ زیرا نشان می‌دهد که اختلاف نگرش بین افراد دارای سنین مختلف در این روستاها کم است و همچنین افراد کم‌سواد و بی‌سواد نیز به حقوق شهروندی خود آگاه هستند و دیدگاه‌های ایشان در ارتباط با زیست‌پذیری روستاها تفاوت معنی‌داری را با افراد دارای تحصیلات بالاتر و خصوصا تحصیلات دانشگاهی نشان نمی دهد.

کتاب‌نامه

۱. خراسانی، م. (۱۳۹۱). *تبیین زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری با رویکرد کیفیت زندگی (مطالعهٔ موردی شهرستان ورامین).* (رسالهٔ منتشرنشدهٔ دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی)، دانشگاه تهران، ایران.

۲. سعیدی، ع. (۱۳۸۲). روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی- شهری یک بررسی ادراکی. *مجلهٔ علمی- پژوهشی جغرافیا*، *۱*، ۹۲-۷۳.

۳. مطیعی لنگرودی، س. ح. (۱۳۸۲). *برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران*. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

4. Balsas, C. J. L. (2004). Measuring the livability of an urban center :An exploratory study of key performance indicators. *Planning Practice, and Research, 19*(1), 101-110.
5. Bell, S., & Morse, S. (2003). *Measuring sustainable development: Learning for doing*. Earthscan, London: Routledge.
6. Blassingame, L. (1998). Sustainable cities: Oxymoron, utopia, or inevitability? *Social Science Journal, 35*(1), 1-13.
7. Clinton-Gore Administration. (2000). *Building livable communities: Sustaining prosperity, improving quality of life, building a sense of community.* Retrieved from www.livablecommunities.gov.
8. Evans, P. (2002). *Livable cities: Urban struggles for livelihood and sustainability*. Berkeley: University of California Press.
9. Florida, R. (2002). *The rise of the creative class*. New York: Basic Books.
10. Heylen, K. (2006,). *Livability in social housing: Three case studies in Flanders*. Paper presented at the European Network for Housing Research Conference, Ljubljana, Slovenia. Retrieved from https://lirias.kuleuven.be/handle/123456789/288700.
11. Inglehart, R. (1990). *Culture shift in advanced industrial society*. Princeton NJ: Princeton University Press.
12. Kotkin, J. (2001). *The new geography: How the digital revolution in reshaping the American landscape*. New York: Random House Paper Backs.
13. Mc Gregor, D., & Simon, D., & Thompson, D. (2005). *The Peri-urban interface: Approaches to sustainable natural and human resource use*. London: Earthscan.
14. National Research Council. (2002). *Community and quality of life: Data needs for informed decision making.* Washington: National Academy Press.
15. Norris, T., & Pittman, M. (2000). The health community's movement and the coalition for healthier cities and communities. *Public Health Reports, 115*(2-3), 118-124.
16. Owens, C. (2009). *Challenges in evaluating livability in Vancouver Canada, case study prepared for planning sustainable cities: Global report on human settlements.* Retrieved from http://www.unhabitat.org/grhs/2009.
17. Perogordo Madrid, D. (2007). The Silesia Megapolis. *European Spatial Planning, 17*(1), 23-33.

18. Pryor, R. (1968). *Defining the rural- urban fringe*. *Social Forces, 47*(2), 202-215.
19. Timmer, V., & Seymoar, N. (2005). *The world urban forum, Vancouver Working Group Discussion Paper*. Vancouver: International Centre for Sustainable Cities.
20. Vergunst, P. (2003). *Livability and ecological land use the challenge of localization* (Unpublished doctoral dissertation), Swedish University of Agriculture Sciences, Sweden.
21. Wheeler, S. M. (2001). *Livable communities: Creating safe and livable neighborhoods, towns and regions in California (Working Paper 2001–2004).* Berkeley: Institute of Urban and Regional Development, University of California.
22. Wolfenshon, J. (1997). *Livable cities for the 21st century: The post habitat agenda for the World Bank. Retrieved from* http://www.worldbank.org/html/extdr/extme/habitat.htm.
23. Zhangmao, L. (2009). The study on the evaluation index system for rural living standards. *Science Development*, *7*(3), 56-63.